



## شمه‌ای از امانت دادن و ندادن کتاب نزد ایرانیان و مسلمانان

احسان‌اله شکراللهی

امانت می‌سپارند. گاهی اصطلاح «امانت» برای استفاده از منابع در محل کتابخانه نیز به کار می‌رود،<sup>۲</sup> که کتابخانه‌های ملی و مجلس از مصادیق چنین تعریفی هستند. هر چند ممکن است حتی این کتابخانه‌ها مخازن منابع امانی نیز داشته باشند.

در خصوص نظام‌های قدیم، جدید و خودکار امانت در کتابخانه‌ها و امانت بین کتابخانه‌ای، مقالات نسبتاً زیادی در منابع کتابداری یافت می‌شود. در خصوص تاریخچه امانت نیز معمولاً به کتابخانه‌های دنیای امروز و قرون اخیر بیشتر توجه شده و هر چند کمتر، به کتابخانه‌های قدیم نیز عنایت می‌شود. اما آنچه که کمتر سراغی از آن در منابع کتابداری می‌یابیم، امانت منابع شخصی به دیگران است. یعنی ارائه آثار مکتوب متعلق به یک فرد به متقاضیان عمومی یا خصوصی.

این قلم قصد دارد در این نوشته ضمن بیان تاریخچه‌ای مختصر از امانت در جهان اسلام، از دیدگاه‌های گوناگون افراد در خصوص امانت منابع شخصی نیز سخن به میان آورد. اما پیش از پرداختن به این مباحث، بی‌مناسبت نیست که اصولاً از فلسفه تشکیل کتابخانه قدری صحبت کنیم؛ جان کرایست می‌گوید: «حفظ و نگهداری دستاوردهای معنوی و تنظیم و توزیع اندیشه مدون بشر همواره هدف و انگیزه اساسی برپایی کتابخانه‌ها بوده است».<sup>۳</sup> اگر چنین تعریفی از هدف تشکیل کتابخانه‌ها را بپذیریم، این سؤال مطرح است که حفظ و نگهداری دستاوردهای معنوی بشر و تنظیم آنها برای توزیع میان چه کسانی؟ آیا افرادی غیر از نوع بشر قرار است از این دستاوردها استفاده کنند؟ پاسخ طبیعتاً

مرکبی در زبان فارسی پدید آمده است چون: امانتدار و امانتداری، امانت فروش و امانت فروشی، امانت شکستن، امانت کار، امانت گذار و امانت گزار.<sup>۱</sup>

در فقه اسلامی هم امانت یکی از عقود جایزه است که به موجب آن مالک مال خود را در اختیار دیگری که امین نامیده می‌شود قرار می‌دهد، و امین مکلف به حفظ و حراست از آن مال به ترتیبی که مالک مقرر داشته تا پایان مدت مذکور در عقد، یا تا هنگام فسخ قرارداد است. وقوع عقد و تحقق آن احتیاج به ایجاب و قبول لفظی یا عملی دارد، یعنی کاری که دلالت بر تودیع امانت از یک طرف و پذیرفتن آن از طرف دیگر بنماید.<sup>۲</sup>

اما در اصطلاح کتابداری کلمه «امانت» برای توصیف مجموعه‌ای از فعالیت‌های کتابخانه‌ای به کار می‌رود و شامل خدماتی است که از طریق آن کتاب‌ها، مجلات و دیگر منابع کتابخانه‌ای به طور مستقیم در دسترس درخواست کنندگان قرار می‌گیرد. یعنی اصلی‌ترین عملکرد خدمات اکثر کتابخانه‌ها، در دسترس قرار دادن منابع و نظارت بر ورود خروج آنهاست. تقریباً همه کتابخانه‌ها به جز آنهایی که دارای مجموعه‌های نفیس و کمیاب هستند، منابع خود را برای خروج از کتابخانه به

«هر کتابی را که به امانت بدهیم به همان میزان کتابخانه را تعطیل کرده‌ایم»

استاد عبدالحسین حائری

کتابخانه مجلس نخستین کتابخانه رسمی کشور، که هشتادمین سالگرد افتتاح رسمی خویش را پشت سر می‌گذارد، از جمله کتابخانه‌هایی است که به اعضای عادی خود کتاب را برای بیرون بردن امانت نمی‌دهد و در پاسخ به متقاضیان امانت گفته می‌شود که: «این کتابخانه مثل کتابخانه ملی است و منابع آن باید برای نسل‌های بعدی باقی بماند. ضمن آن که هدف اصلی از تأسیس این کتابخانه، اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات فرهنگی به نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و سایر دستگاه‌ها و نهادهای مهم مملکتی و محققان ارشد کشور است.» به همین بهانه در نوشته حاضر سعی شده است برخی دیدگاه‌ها و پیشینه تاریخی مربوط به امانت کتاب در ایران و تمدن اسلامی بویژه در خصوص امانت و عدم امانت منابع شخصی مطرح شود.

دکتر هوشنگ ابرامی در کتاب مشهور «شناختی از دانش‌شناسی» گسترش دانش یا اشاعه اطلاعات (Dissemination of information) را، ستون سوم علم کتابداری و دانش‌شناسی می‌داند. مراد از دانش گسترش، عرضه هرگونه دانش و دانایی و اطلاعات به خواننده به هر شکل و طریق است، و پیداست که این کار دامنه وسیعی پیدا می‌کند، و خدمات فراوانی را در برمی‌گیرد. یکی از این خدمات «امانت منابع» است.

«امانت» در لغت فارسی به معنی راستی و ضد خیانت است و در معانی اخلاص، ودیعه، حفاظت و نگهداری، تدبیر و دین‌داری، تکلیف الهی، و بسته پستی نیز آمده است. با استفاده از این واژه کلمات



منفی است. این منابع برای استفاده مجدد پدید آورندگان و دیگر افراد در کتابخانه‌ها فراهم آمده است. اما این «دیگر افراد» از لحاظ تاریخی یا جغرافیایی ممکن است وسیع‌تر از آن باشد که در ابتدای امر به ذهن می‌آید. از نظر جغرافیایی تمامی نقاط کره خاکی، و از لحاظ تاریخی تا انقراض نسل بشر این دامنه وسعت دارد.

اکنون باز گردیم بر سر این مسئله که وقتی براساس هدف پیش گفته کتابخانه‌ای شکل گرفت، این منابع باید براساس چه ضوابط و مقرراتی در اختیار متقاضیان قرار گیرد؟ آیا باید حد و مرزی برای مدت، تعداد، و کیفیت امانت منابع در نظر گرفت یا خیر؟ پاسخ این سؤال هم طبیعتاً مثبت است. «هر واحدی حتی کوچکترین نهاد اطلاع‌رسانی از کتابخانه کوچکی در روستایی دور افتاده، و آرشیو مختصری در یک اداره گرفته تا بزرگترین و پیچیده‌ترین نهاد، از نوعی سیاست اطلاع‌رسانی پیروی می‌کند، ولو آن که این سیاست نامدون و نامکتوب باشد»<sup>۵</sup>. چرا که حفاظت و حراست منابع چنین اقتضا می‌کند. برحسب نوع نهادی که کتابخانه به آن تعلق دارد، خط مشی‌های امانت، متفاوت است. این تفاوت‌ها در زمینه نوع منابع، مدت زمان امانت، تمدید زمان امانت و یا ذخیره سازی نوبت استفاده از منابع (رزرو) می‌تواند باشد.

کاریکاتور آشنای اژدهای کتابدار که بخیلانه به حفاظت از گنجینه پر ارزش کتاب‌هایش نشسته است، در واقع نمایانگر این عقیده ویلیام بلیلز است که «به راستی هر کتاب قدیمی در دست صاحب وظیفه شناس آن به سان امانتی مقدس است، که غفلت در نگهداری آن همانند غفلت پدری در مراقبت از فرزند است. یک کتاب قدیمی صرفنظر از ارزش موضوع و محتوای آن، بخشی از تاریخ ملی محسوب می‌شود، [و هر چند] تکثیر آن به طریقه چاپ عکسی امکان دارد، خلق دوباره همان اثر هرگز امکانپذیر نیست. از این رو چنین کتابی باید همچون سندی تاریخی به دقت نگهداری شود»<sup>۶</sup>؛ بر همین مبنا است که استاد حائری نظریه «بازنویسی تاریخ علم مسلمانان براساس باز شناسی نسخ خطی تمدن اسلامی» را مطرح نموده‌اند.

شاید برای ما که امروز در عصر انفجار اطلاعات

به سر می‌بریم و تکنولوژی تولید و تکثیر اطلاعات آنقدر پیشرفت کرده که ظرف چند دقیقه تمامی حجم یک دایره المعارف بزرگ را به راحتی روی یک لوح فشرده تکثیر می‌کنیم، احساس یک کتابدار یا مالک مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی در دوران قدیم قابل درک نباشد. در آن زمان تولید و دسترسی به اطلاعات و حتی لوازم التحریر مخصوصاً کاغذ و حتی قلم و مرکب بسیار سخت بود، و نوشتن یک اثر با حداقل دقت، مستلزم صرف هزینه و زمان زیادی بود، بنابر این کسی که یک نسخه خطی را به دست می‌آورد آن را بسیار گرامی می‌داشت و از ارائه آن به افراد غیر ذی‌صلاح خود داری می‌کرد و حتی افراد ذی‌صلاح هم در مواردی به صورت بسیار محدود امکان دسترسی به منابع داشتند. در چنین شرایطی شاید دیگر برایمان عجیب نباشد اگر می‌شنویم برخی کتابخانه‌های کلیساها در قرون وسطا کتابها را با زنجیر به میز مطالعه یا قفسه کتاب می‌بستند و به هیچ وجه اجازه خروج آنها از کتابخانه‌ها را نمی‌دادند.

البته در آن کتابخانه‌ها همه کتاب‌ها را با زنجیر نمی‌بستند، بلکه تنها به بستن کتاب‌هایی بستند می‌کردند که مورد تقاضای کتابخوان‌ها بود، اما کتاب‌هایی که می‌شد آنها را با بهای ارزان از بازار فراهم کرد یا کتاب‌هایی که پس از اختراع صنعت چاپ و به سبب بر خورداری از قیمتی بسیار کمتر از مخطوطات به آن کتابخانه‌ها سرازیر شده بودند با زنجیر بسته نمی‌شدند.<sup>۷</sup>

اما در تاریخ تمدن اسلامی امانت کتاب در مجموع کار پسندیده و رایجی بوده است. شاید علت اصلی آن، اعتقاد مسلمانان به ضرورت دادن ذکات هر چیزی بوده و در مورد علم و کتاب نیز، نشر آن باشد، همانطور که در حدیثی از معصوم تصریح شده است: «ذکات العلم نشره». در کتاب‌هایی نظیر «تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم»<sup>۸</sup> که از قرن هشتم بازمانده، همواره توصیه شده است از «حس کتاب» پرهیز شود و البته در برگرداندن کتاب به عاریت گرفته شده تسریع شود، و از حاشیه نویسی کنار صفحات و پلشت کردن جلد و اوراق آن خودداری گردد.

شهید ثانی هم در کتاب «منیته المرید فی آداب المفید و المستفید»<sup>۹</sup> برای امانت دادن کتاب قید

حدود و شرایطی را واجب دانسته است. استاد ایرج افشار در جشن نامه مرحوم دکتر عباس زریاب خویی که در سال ۱۳۷۰ منتشر گردیده است، طی مقاله ارزنده‌ای با عنوان: «امانت، کتاب چند نکته تاریخی»، علاوه بر دو منبع پیش گفته، به محتوای برخی منابع که در آنها به این مقوله توجه شده پرداخته‌اند. از جمله این منابع عبارتند از: وقفنامه ربع رشیدی، وقفنامه شاه سلطان حسین، وقفنامه مدرسه شاهزاده یزد، سرگذشت قطب‌الدین میرحسینی و مطلع السعدین. علاقمندان را به خواندن این مقاله ارزنده دعوت می‌کنم و از تکرار مطالب آن درمی‌گذرم.

در جهان اسلام یکی از دلایل اصلی که متقاضیان را وامی‌داشت تا برای نسخه برداری از کتاب‌ها، آنها را به امانت گیرند، بهای زیاد کتاب‌ها بود. به همین خاطر برخی از کتابخانه‌ها اصولاً برای امانت دادن کتاب ایجاد شده بودند. وقفنامه‌هایی نیز از آن زمان وجود دارد که همه یا بخشی از مطالب آن به شرایط امانت کتاب اشاره می‌کند.

«وقفنامه ربع رشیدی»<sup>۱۰</sup> یکی از نمونه‌های برجسته چنین شیوه نامه‌ای را به نمایش می‌گذارد. یکی دیگر از نمونه‌های جالب، وقفنامه‌ای است که به شماره ۸۵۰۱ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود؛ در این وقفنامه که مربوط به «مسجد و مدرسه قاسم خان» است، ذیل عنوان «تعیین کتابدار و شرایط متعلقه به بقای این عمل و به کتب موقوفه» آمده است:

«کتابداری مدرسه مذکور را به عبدالوهاب بن الجانی علی محمد الاصفهان مرحمت فرمودند و نوعاً به شخصی مفوض است که از علم عاری نباشد و متولی مدرسه مذکوره او را معین فرمایند، و شرط است در او که کمال سعی و اهتمام را در حفظ کتب موقوفه مرعی دارد، و هر کتابی که به یکی از طلاب دهد، قبض بگیرد، و کتب موقوفه را به خارج از طلاب مدرسه، که موقوف علیهم باشند، ندهد که از مدرسه بیرون برد [مگر] به اذن متولی و اطلاع مدرس یا ناظر، و در این صورت نیز اگر کتاب در پیش آن شخص خارج تلف شود، کتابدار باید از عهده ارش یا قیمت بر آید، و اگر متولی کتابی به شخص خارج دهد و یا آنکه به کتابدار

بگوید که فلان کتاب را به فلان شخص بده و کتاب پیش آن شخص تلف شود یا معیوب گردد، باید متولی از عهده قیمت یا ارزش بر آید؛ و همچنین اگر مدرس یا ناظر به دادن کتاب اقدام کنند، قیمت و ارزش در عهده ایشان است و کتابدار را رجوعی نیست، و طلاب موقوف علیهم نیز کتب موقوفه را از مدرسه بیرون نبرند، مگر به جهت درس و مباحثه و مطالعه؛ و در این صورت نیز از دو شبانه روز بیشتر در خارج مدرسه نگاه ندارند، مگر به اذن متولی و اطلاع مدرس یا ناظر، و بر متولی و مدرس و ناظر لازم است که در هر شش ماه یک مرتبه به اطلاع چند کس از طلاب کتب موقوفه را بازدید نمایند و اگر تعمیری در جلود کتاب یا اوراق آنها لازم باشد، به زودی اقدام کرده تعیین نمایند و از برای متولی جایز است که کتب موقوفه را کلاً یا بعضاً با مصلحت شرعی در خارج مدرسه نگاهدارد و هم چنین از برای مدرس جایز است که در خارج مدرسه بیشتر از دو شبانه روز نگاه داشته باشد، در صورتی که محتاج باشد؛ اگر چه در بعضی اوقات شبان روز محتاج شود. و شرط است که طلاب نیز کتب را معطل نگذارند، و بعد از احتیاج به دیگری که محتاج باشد، یعنی به کتابدار رد کنند تا او به دیگری که محتاج است بدهد و در دست هر یک که تلف شود، قیمت یا ارزش در عهده او است».

در این گزیده کوتاه از وقفنامه مزبور به جنبه های گوناگونی از خدمات امانت که در کتابداری امروز نیز مطرح است، برمی خوریم: باسوادی کتابدار مرجع، حفاظت منابع، ثبت سوابق امانت، محدودیت جامعه استفاده کننده، جایگزینی منابع، جبران خسارت، ضمانت امانت، مدت امانت، قفسه خوانی و مرمت آثار.

در پایان نسخه شماره ۱۰۴۵ از مجموعه طباطبایی در کتابخانه مجلس نیز به دو فهرست کتاب برمی خوریم با این عناوین:

۱. آنچه از مردم پیش من است . . .

۲. کتب حقیر که نزد مردم می باشد . . .

این اسناد که مشتق از خروار است، نشان می دهد که در کتابخانه های عمومی و خصوصی ایران امانت کتاب کاملاً معمول و مرسوم بوده و شرایط امانت سپردن کتاب تا چه میزان دقیق تنظیم می شده است.

جمیز و ستفال تامپسون مورخ برجسته کتابخانه های قرون وسطی خاطر نشان می سازد که «در ایران هر شهر مهم دارای کتابخانه بوده است و مجموعه های بزرگی در نیشابور، اصفهان، غزنه، بصره، شیراز، مرو و موصل یافت می شد. در موصل ابن حمدان شاعر (متوفای ۳۲۴ ق) دارالعلمی مجهز به مجموعه ای از کتب در همه زمینه های علوم تأسیس کرد. این دارالعلم به روی همه محققان باز بود و [حتی] به آنان که فقیر بودند کاغذ مجانی داده می شد».

یاقوت حموی جغرافیدان مسلمان که در سال ۶۲۶ ق از مرو دیدن کرده است، بیش از ده کتابخانه قابل استفاده برای عموم یافت که بعضی از این کتابخانه ها در مدارس یا مساجد قرار داشتند. یاقوت اشاره می کند روش امانت کتاب در مرو چندان آزاد بود که او می توانسته است بیش از ۲۰۰ جلد کتاب را هم زمان به امانت بگیرد.

آقای محمد حسن رجیبی نیز در مدخل «امانت در جهان اسلام و ایران» از دائرة المعارف کتابداری ضمن اشاره به اسناد و نمونه های تاریخی، ضوابط، شرایط، و مقررات امانت کتاب در کتابخانه های این حوزه را به چند دسته تقسیم بندی نموده اند که عبارت است از: امانت آزاد، امانت با ضمانت شخصی، امانت با ودیعه، و عدم امانت. ایشان همچنین در خصوص مدت امانت و جامعه استفاده کننده نیز مطالب ارزنده ای بیان داشته اند که علاقمندان را به مطالعه مدخل مزبور از دائرة المعارف دعوت نموده و از تکرار مطالب ارائه شده در آنجا نیز خودداری می کنیم. تا برای بیان مطالب مربوط به مقوله امانت از کتابخانه های شخصی بیشتر مجال داشته باشیم.

«در تمدن ایران و اسلام اغلب عالمان . . . [به ویژه آنان] که از تمکن مالی برخوردار بوده اند برای استفاده خویش کتابخانه ای داشتند. [که البته] در کمیت و کیفیت متفاوت بوده است. بعضی از آنان نیز در دستگاه خلفا و امرا مقامی داشته اند، و به اصطلاح جزو دولتمردان بوده اند، چون صاحب ابن عباد و محمد بن عبدالملک زیات، و خواجه نصیر الدین طوسی، و رشید الدین و طواط. بعضی هم به سائقه کتابدوستی و استفاده علمی و احیاناً همزنگی ابنای روزگار. که کتابخانه یک نوع تجمل علمی به

شمار می رفت. گنجینه درخور مکتب و همت خویش فراهم می آوردند. . . در این میان جمعی مردان صالح و خیرخواه را می شناسیم که نه داعیه سروری و منافست با دولتمردان داشته اند و نه در بند انحصار کتب به خویش بوده اند، و فقط به لحاظ خدمت به علم و عالمان و نیز . . . تمکین طالبان علم و محققان و پژوهشگرانی که از بضاعت مالی برخوردار نبودند، مجموعه ای از کتب فراهم آورده و در مسجد یا مدرسه ای برای درک ثواب وقف می نمودند، که شاید اولین کس از میان اینان صاحب ابن عباد باشد، که کتابخانه نفیس خویش را در ری وقف عام نمود و دیگر شاپور پسر اردشیر که دوازده هزار جلد کتاب نفیس را به بغداد در دارالعلم خویش وقف عالمان ساخت. پیشتر و بعد از اینان [نیز کسانی] بوده اند که کتب اندک یا بسیار خود را برای استفاده طالبان علم در مساجد یا مدارس گذارده، شالوده کتابخانه های عمومی را فراهم ساختند. چنان که یاقوت حموی از ده کتابخانه در ری یاد می کند که از آن جمله کتابخانه عزیز دوازده هزار جلد کتاب داشته و در نیشابور به عصر خواجه نصیر، سیزده کتابخانه وجود داشت که مهمترین آنها پنج هزار [جلد] کتاب داشته است».

چنین ارقامی از تعداد کتاب در عصری که تنها با استتساخ می شد از کتابی نسخه دیگری به دست آورد بسیار اعجاب آور می نماید. صرف نظر از کتابخانه هایی که وقف استفاده عموم می شده، احتمالاً نمی توانیم دانشمندی بیابیم که مجموعه ای از کتاب های خود نداشته باشد.



شاید بدین گونه بتوان ادعا کرد که شماره این کتابخانه‌ها تقریباً همسنگ بوده با شماره دانشمندان. احمد شبلی مؤلف کتاب «تاریخ آموزش در اسلام» از نمونه‌های برجسته این کتابخانه‌ها در تمدن اسلامی کتابخانه‌های فتح بن خاقان، حنین بن اسحاق، ابن خشاب، موفق مطران، جمال الدین قفطی، مبشر فاتک، افرائیم زقان و عماد الدین اصفهانی را نام می‌برد.<sup>۱۲</sup>

بعید است که همه دارندگان کتابخانه‌های خصوصی مانع دسترسی دیگران به منابع شخصی‌شان شده باشند. در تمدن اسلامی به ویژه عاریه و امانت دادن کتاب به دیگران متضمن فواید معنوی قلمداد می‌شده، و آن را کاری بسیار بجا و خدایسنده تلقی می‌کرده‌اند. به عنوان مثال شهید ثانی در کتاب «منیه المرید فی آداب المفید و المستفید» این کار را به عنوان یک عمل مستحب مؤکد که اجر و پاداش جالبی را به دنبال دارد معرفی می‌کند: «زیرا امانت دادن کتاب نوعی اعانه علمی و معاضدت و همیاری در کار نیک و مساعدت به احسان و تقوی به شمار می‌آید». وی از قول یکی از پیشینیان اضافه می‌کند: «عاریه و امانت کتب به دیگران موجب خیر و برکت و فزونی سرمایه‌های علمی و انسانی می‌گردد».<sup>۱۳</sup>

همان گونه که پیشتر گفته شد، بسیاری از افراد با وضع شرایط و مقرراتی این مهم را عملی می‌نمودند، اما سستی و بی‌توجهی بعضی از امانت گیرندگان کتاب و کوتاهی آنان در ایفای وظایف امانت داری موجب برخی سخت‌گیری‌ها،

ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها در ارائه کتب به متقاضیان می‌شده است. به عنوان مثال یاقوت حموی چنان که خود می‌نویسد: هرگز کتابی را که به امانت می‌گرفت، به صاحبش پس نمی‌داد، و بهانه معمول او این بوده که کتاب در میان کتاب‌های دیگر است و لذا نمی‌تواند آن را پیدا کند و پس بدهد.<sup>۱۴</sup> چنین رفتارهای غیر مسئولانه‌ای سبب سخت‌گیری بیش از حد برخی افراد و کتابخانه‌ها در امانت دادن کتاب شده است. گاهی برای جلوگیری از آسیب و سرقت کتاب بر صفحات آنها عباراتی نقش می‌بست که «نفرین نامه» نامیده می‌شد و بسیاری از کتابداران معتقد بودند که این نفرین نامه‌ها در صورتی که متنش طولانی باشد یا شعری با همین درونمایه بر کتاب نگاشته شود، تأثیری ژرفتر بر خواننده خواهد داشت.

گاهی هم این نوشته‌ها در حد «خواهش نامه» و بیان یک توصیه و پند اخلاقی باقی می‌ماند مثل این بیت:

در کتاب دوستان کردن طمع سردی بود

گر بخوانی باز ندهی نا جوانمردی بود  
گاهی ذهنیت منفی نسبت به امانت دادن کتاب آنقدر شدت می‌گرفت که افراد به عنوان یک فلسفه عملی آن را در غالب اشعار و عباراتی ضرب‌المثل گونه بیان می‌کردند و می‌کنند.

از جمله این مثل معروف که: «هر کس کتابی عاریه داد باید یک دستش را برید و هر که پس آورد دو دستش را».

در مثال دیگری غریب به این مضمون را منقول کرده‌اند:

«ناکس آن کس که کتابش بدهد کس

ناکس تر از آن، کس که کتابش بدهد پس»  
و همچنین این مثل عامیانه که باز ناظر بر دو مثل پیشین یعنی عدم مطلوبیت در امانت کتاب است: «کتاب گفته من را به کس نده، اگر دادند پس نده»<sup>۱۵</sup>

در جلد پنجم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس (ص ۳۷۳) نیز استاد حائری مطلب جالبی آورده‌اند که قلا (یا نجفقلی) نامی فرزند صالح و از شاگردان حاجی محمد صادق اردستانی و میرزا رفیع گیلانی در حاشیه یکی از کتاب‌هایی که متعلق به او بوده و اکنون به شمار ۱۸۸۱ در کتابخانه مجلس

نگهداری می‌شود، در مورد امانت کتابش نوشته: «نذر کردم العبد الحقیق قلابن محمد صالح که چون در اول مرتبه جناب میرزا رفیعا دادیم که مطالعه فرماید و ایشان در آب انداختند، اگر من بعد به عاریه به کسی بدهم، پیاده به کعبه معظمه بروم، اگر چه این نذر ظاهراً در نظرها قبیحی دارد، اما حکما فرموده‌اند: البخل فی الکتب کالجود فی الذهب». در نمونه‌های نظم فارسی از دیروز تا امروز نیز به ذهنیت منفی شاعران نسبت به امانت کتاب برمی‌خوریم از قطعه انوری با عنوان «در وضع کتاب خواستن» که با فحاشی و عباراتی مستهجن بیان شده که بگذریم، هشتصد سال پیش هم سعدی در امانت دادن کتاب سخت‌گیری و گروستانی را پیشنهاد می‌کند می‌سراید:

کتاب از دست دادن سست رایبی است

که اغلب خوی مردم بی وفایی است  
گروستان نه پایندان و سوگند،

که پایندان نباشد همچو پابند  
در دوران معاصر هم مثلاً ملک الشعرای بهار در انتهای قطعه‌ای که در آن به ارزش و اهمیت کتاب پرداخته و آن را به عنوان دوستی صمیمی و شایسته ستوده و ویژگی‌های ارزنده آن را بر شمرده است می‌نویسد:

این چنین دوست کتاب است از او روی متاب

این چنین یار کتاب است از او دست مدار  
به چنین شاهد زیبا به بطالت منگر  
بشنو از من به کس او را به امانت مسپار

ور امانت بسپردیش از او چشم بپوش  
دیگری خواه ز بازار و بجایش بگذار<sup>۱۶</sup>  
شاید مرحوم ملک الشعرا و دیگران که با او هم

عقیده گشته‌اند در ابتدا این قدر نسبت به امانت کتاب سخت‌گیر نبودند اما عملکرد بد بعضی شیفتگان ناشریف کتاب کارشان را به اینجا کشانده است. در شعر دیگری که سراینده‌اش را نیافتیم، توصیه به عدم امانت کتاب با تشبیهی زیبا چنین آمده است:

کتاب عاریه دادن به مردمان ندهد  
ترا نتیجه بجز آه حسرت و افسوس  
بود کتاب عروس ای پسر به حجله علم  
کسی به عاریه هرگز نداده است عروس  
عروس خویش چو دادی به عاریت تا حشر  
به نام عار ندامت همی نوازی کنوس



همین مضمون را از شاعری هندی نیز نقل کرده‌اند که گویا در کتاب نتایج الافکار آمده است: معشوقه من کتاب من شد

بسته دل من بدو گشاده است  
گویی که مرا به عاریت ده

معشوقه به عاریت که داده است  
به این ترتیب جا دارد به دیدگاه کسانی که امانت کتاب را نمی‌پسندند هم تأمل کنیم. در « جشنواره کتابخانه‌های خانگی » که در هفته کتاب سال ۱۳۸۱ توسط انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شد، صاحبان کتابخانه‌های خانگی که به صورت غیر رسمی و خود جوش به افراد یک محل، مجتمع‌های مسکونی یا دوستان کتاب امانت می‌دادند مورد تشویق قرار گرفتند. به این بهانه با برخی صاحب‌نظران هم مصاحبه‌ای صورت گرفت که پاسخ دو نفر از این افراد به سوال خبرنگار چنین

بود:<sup>۱۱</sup>  
عمران صلاحی: « کتاب امانت دادن کار خطرناکی است و آن کس که کتاب امانت می‌دهد یا فرد بسیار سخاوتمندی است یا لابد از آن کتاب دو جلد دارد. »

سپانلو: « تقریباً همه ما کتاب امانت می‌دهیم که معمولاً هم آن کتاب بر نمی‌گردد. »  
وقتی پاسخ افرادی که فقط نسبت به کتابخانه شخصی خودشان مسئولیت دارند چنین است وضعیت کتابخانه ای که مسئول اطلاع‌رسانی به نسل‌های بعدی هم هست روشن می‌شود. یعنی باید پذیرفت « وجود کتابخانه‌هایی با سیستم بسته برای حفظ میراث فرهنگی لازم است ».<sup>۱۲</sup>  
بنابر این اگر کتابخانه‌هایی مثل کتابخانه مجلس و کتابخانه ملی کتاب به امانت نمی‌دهند، این بخاطر سیاست اطلاع‌رسانی آنها و نگاه به افقی

دور دست است. یعنی این که نسل‌های آینده هم حق دارند بدانند عالمان و پژوهندگان پیش از ایشان چه آثاری از خویش بر جای نهاده‌اند و پله‌های تحقیق را تا کجا طی نموده‌اند. بخاطر همین حق است که مسئولیت نسل امروز برای حفاظت از منابع معنی پیدا می‌کند، و ما لازم است نه تنها در محدود کردن امانت کتاب‌ها که حتی در چگونگی استفاده از آنها در محل و مخصوصاً تکثیر آنها سخت دقیق و حساس باشیم، تا فردائیان نه تنها ما را بخاطر بی‌توجهی و سهل‌انگاری امروز ملامت و نفرین نکنند، بلکه بخاطر دقت و وسواس در حفظ این میراث بر ما آفرین بفرستند، همچنان که ما بر حافظان گنجینه‌های کتاب و حامیان نسخ خطی در طول تاریخ دورد می‌فرستیم.

به قدر چشمک انجم به زیر چرخ کبود

به حافظان کتاب از ازل سلام و درود<sup>۱۳</sup>

## منابع و ارجاعات

۱. لغت نامه دهخدا، مدخل امانت، به نقل از فرهنگ‌های مختلف
  ۲. دایره‌المعارف تشیع. زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء الدین خرمشاهی، کامران فانی، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵، ج ۲ ص ۳۹۱.
  ۳. دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، سرپرست و ویراستار عباس حرّی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۱. ج ۱ ص ۲۹۴.
  ۴. مبانی فلسفه کتابداری آموزشی. جان. م. کرایست. ترجمه اسداله آزاد، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۶۵، مقدمه مترجم، ص الف.
  ۵. شمه‌ای از اطلاعات و ارتباطات. ترجمه و تألیف عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵.
  ۶. تاریخ اصول کتابداری، نوشته جیمز تامپسون، ترجمه محمود حقیقی، تهران: مرکز نشر دانشگاه، ۱۳۶۶، ص ۴۴.
  ۷. کتاب در بویه تاریخ، الکساندر استیپتویچ، ترجمه حمیدرضا آذری، حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ۱۳۷۳، ص ۲۵۵.
  ۸. تألیف بدرالدین کنانی حموی، متوفی ۷۳۳ ق، چاپ حیدرآباد، ۱۳۵۳، مخصوصاً باب چهارم آن (صفحات ۱۶۲، ۱۹۳) تحت عنوان « فی الادب مع الکتب التي هی آله العلم و یتعلق به تصحیحها و ضبطها و حملها، و وضعها و شرائها و عاریتها، و نسخها و غیر ذالک و فیہ احد عشر نوعاً ». نقل از مقاله « امانت دادن کتاب » نوشته استاد ایرج افشار در کتاب: جشن نامه استاد دکتر عباس زریاب خویی، به کوشش احمد تفضیلی. تهران: [ بی‌نا ] ۱۳۷۰، ص ۲۳۶.
  ۹. ترجمه گزارش گونه این کتاب از دکتر محمد باقر جنتی که در سال ۱۳۵۹، در تهران چاپ و بعدها تجدید چاپ شد، ص ۴۷۹، ۵۱۸.
  ۱۰. وقفنامه ربع رشیدی « رشید الدین فضل الله » زیر نظر مجتبی مینوی، ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵.
  11. James westfall thompson, the medieval library, (New yuork : Hafna pablishing comp. 1967) p 353.
- نقل از مقاله دکتر محمود حقیقی با عنوان « دسترسی به کتابخانه‌های جهان اسلام و اروپا در قرون وسطی منتشره در « مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلام »، گردآورنده محمد فرحزاد. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵، ۲۶ ص ۲۶۲.
- 12- Yakut al. Hamawi. Mojamal- Buldan. Cario. 1906. V8. P36.
- نقل از مقاله « تاریخ کتابخانه‌های اسلامی از قرن هفتم تا چهاردهم میلادی » در کتاب کتابخانه و کتابداری، مقالاتی در توسعه مفاهیم و تاریخ. احمد شعبانی، آبادان، پرسش، ۱۳۸۰، ص ۱۴.
۱۳. کتاب و کتابخانه در اسلام (مجموعه مقالات) نوشته کاظم مدیر شانه‌چی. مشهد: آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴-۱۰۲.
  ۱۴. تاریخ آموزش در اسلام، احمد شبلی، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۸-۱۶۴.
  ۱۵. حقیقی، محمود، ص ۲۶۱-۲۶۲.
  ۱۶. کتاب در بویه تاریخ، ص ۲۵۴.
  ۱۷. دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها، تألیف ابراهیم شکورزاده، مشهد: آستان قدس رضوی (شرکت به نشر). ۱۳۸۰، ص ۱۰۱۹.
  ۱۸. با شهریاران شعر (از آغاز تاکنون). گردآورنده، حمیدرضا قلیچ‌خانی، تهران: آیندگان، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳.
  ۱۹. « کتاب امانت دادن کار خطرناکی است » اظهار نظر تعدادی از نویسندگان و هنرمندان در مورد جشنواره کتابخانه‌های خانگی. نشریه توسعه ۸۱/۷/۱۷.
  ۲۰. « کتاب امانت نمی‌دهیم » گزارش محمد جواد جعفریان در روزنامه جام جم ۸۰/۳/۸ از قول سید محمد علی احمدی ابهری رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
  ۲۱. بیت از نویسنده مقاله است.